

تعامل امام رضا علیه السلام و فرقه فطحیه

نعمت‌الله صفری فروشانی^۱

زهره بختیاری^۲

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

چکیده

فرقه فطحیه که قائل به امامت بزرگ‌ترین فرزند بازمانده امام صادق علیه السلام به نام عبدالله افطح بود، از فرق درون شیعی دوران امامت امام رضا علیه السلام به‌شمار می‌رود. این فرقه، خود به دسته‌هایی تقسیم شد و انشعابات یافت؛ از جمله این که شماری از فطحیان، که دربردارنده فقهای بزرگی بودند، بدون حذف امامت عبدالله افطح از سلسله امامان خویش، امامت امام کاظم علیه السلام را نیز پذیرفتند و به این ترتیب امام رضا علیه السلام را به عنوان نهمین امام خود، پذیرا شدند که می‌توان گفت: ریشه‌ای‌ترین عقیده آنان اعتقاد به انتقال امامت از برادر به برادر بود. بررسی تعامل امام رضا علیه السلام و فرقه فطحیه با روش تاریخی و تحلیلی موضوع این نوشتار است. نتایج پژوهش درباره تعامل امام و فطحیان حاکی از بازگشت برخی از فطحیان از عقیده خود است. امام در عین مبارزه با آنان، هدف خود از مبارزه را در واقع هدایتگری آنان می‌دانست و در این مسیر تا حدود زیادی موفق شد.

کلید واژه‌ها

امام رضا علیه السلام، فرق شیعی، فطحیه، عبدالله افطح.

۱. استاد گروه تاریخ اسلام جامعة المصطفی العالمیه. nsafari8@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء علیه السلام (نویسنده مسئول). z.bakhtiari@alzahra.ac.ir

دریافت: ۹۶/۰۳/۱۲ پذیرش: ۹۶/۰۵/۳۰

مقدمه

فرقه فطحیه یکی از فرقه‌های درون شیعی فعال در دوران امامت امام رضا (ع) بود که در پی شهادت امام جعفر صادق (ع) شکل گرفته بود. این فرقه، قائل به امامت عبدالله افطح دومین فرزند امام صادق (ع) بود و او را که پس از اسماعیل بزرگ‌ترین فرزند بازمانده از امام صادق (ع) بود، به امامت پس از امام ششم برگزیدند. آنان با استناد به روایاتی که امامت را در بزرگ‌ترین فرزند امام می‌دانست، به امامت عبدالله افطح قائل شدند.

توجه به تعامل امام رضا (ع) با فرقه فطحیه، به‌عنوان یکی از فرقه‌های درون شیعی، جهات مختلفی چون حضور گسترده و پررنگ فقها و علمای بزرگ شیعه در میان فطحیان دارای اهمیت خاصی است. در این مقاله، پس از گونه‌شناسی فطحیان و بیان ویژگی‌های کلی آنان و معرفی عده‌ای از بزرگان این فرقه، به تعامل امام رضا با این فرقه پرداخته می‌شود.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۴۲

مروری بر پژوهش‌ها

در مورد فطحیه ظاهراً پژوهش‌های محدودی انجام گرفته است، از جمله، مقاله‌ای با نام "فرقة الفطحية، از م.م. سلیمه کاظم حسین؛ نیز مطالبی از برخی کتب به فطحیه اختصاص یافته است، از جمله تاریخ فرق اسلامی (۲) (۳۰۵ - ۳۰۷)، نوشته حسین صابری، و کتاب مکتب در فرایند تکامل از سید حسین مدرّسی طباطبایی. اما نوشته‌ای که به‌طور مستقیم به موضوع مورد بحث ما پرداخته باشد مقاله‌ای است با نام «فرقه‌های درون شیعی دوران امامت امام رضا (ع) با تکیه بر فطحیه و واقفیه»^۱، و نیز مطالبی از کتاب امام رضا و فرقه‌های شیعه.^۲ گرچه در کتاب امام رضا و فرقه‌های شیعه، بحث حاضر آمده است اما در این پژوهش، با تفصیل بیشتری به موضوع پرداخته شده و پژوهشگران ضمن استفاده از آن تحقیقات، سعی دارند در طرح و قالبی نو به بسط و گسترش و تحلیل موضوع بپردازد.

۱- نعمت الله صفري فروشاني، (۱۳۸۸)، «فرقه‌های درون شیعی دوران امامت امام رضا (ع) با تکیه بر فطحیه و واقفیه»، طلوع، سال هشتم، ش ۲۸.

۲- زهرا بختیاری، امام رضا (ع) و فرقه‌های شیعه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۲.

گونه‌شناسی فطحیان

از آنجا که عبدالله بزرگ‌ترین فرزند برجای‌مانده امام صادق علیه السلام بود، چون دعوی امامت و جانشینی پدرش را کرد، بسیاری از پیروان امام صادق علیه السلام که شامل بیشتر بزرگان شیعه و فقیهان ایشان بودند، به او گرویدند (نوبختی، ۷۷-۷۸؛ اشعری قمی، ۸۷). این گروه که در ابتدای رحلت امام صادق علیه السلام اکثریت داشتند (اشعری قمی، ۸۷؛ نوبختی، ۷۷؛ ابی‌حاتم رازی، ۲۸۷/۳)، پس از چندی بنا به دلایلی در اعتقاد خود به امامت عبدالله، تجدید نظر کرده به گروه‌هایی تقسیم شدند.

روند کاهش پیروان عبدالله به گونه‌ای بوده که ابوحاتم رازی (۳۳۲) در قرن چهارم می‌گوید: این فرقه منقرض شده و کسی با این عقیده باقی نمانده است (رازی، همانجا). همچنین طبرسی پس از ذکر از بین رفتن این فرقه بیان می‌دارد که ما هم اکنون، از مذهب آنان با تعجب حکایت می‌کنیم. به نوشته او فطحیان که نصی از امام صادق علیه السلام درباره امامت عبدالله نداشتند، فقط به سن بزرگ‌تر او استناد می‌کردند (طبرسی، ۷/۲).

درباره چگونگی و چرایی کاهش یافتن پیروان عبدالله نکاتی چند طرح شده، از جمله: چند تن از اصحاب امام صادق علیه السلام، عبدالله افطح را در مسائل فقهی آزمودند و پس از عدم دریافت پاسخ‌های مناسب (اشعری قمی، ۸۷؛ نوبختی، ۷۷-۷۸؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲۱۸ و ۲۳۸-۲۳۹؛ مفید، ۲۲۱/۲)، و نیز دیدن دلایل حقانیت امام موسی کاظم علیه السلام (نک. مفید، همان، ۲۲۱-۲۲۳؛ طوسی، همان، ۲۳۸-۲۴۰؛ اربلی، ۱۲/۳-۱۳؛ طبرسی، ۱۸-۱۶/۲) امامت عبدالله را انکار کرده به امامت امام کاظم علیه السلام روی آوردند (نک. مفید، طوسی، اربلی، اشعری قمی، نوبختی، همانجاها).^۱ هشام بن سالم و محمد بن نعمان (صاحب الطاق) از کسانی‌اند که در منابع، از آنان، نه به‌عنوان پیروان عبدالله افطح، بلکه در شمار کسانی که برای شناخت امام زمان خویش، از عبدالله سؤالاتی پرسیدند و سپس طی ماجرای به امام کاظم علیه السلام رهنمون شدند، یاد شده است. این دو تن سپس افراد زیادی را به سوی امامت امام کاظم علیه السلام دعوت و هدایت کردند و

۱. عبارت اشعری قمی چنین است: «فمال إلي عبدالله...، إلا نفرأ يسيراً عرفوا الحق و امتحنوا عبدالله بالمسائل في الحلل و الحرام و الصلاة و الزكاة و الحج فلم يجدوا عنده علماً». اشعری، ۸۷.

طبق نقل خود آنان، تنها طایفه عمار سبابطی و عده کمی از مردمان بر امامت عبدالله باقی ماندند (مفید، همان؛ طوسی، همان؛ اربلی، همان). به هررو، وجود چنین افرادی در میان یاران امام کاظم (ع) در کاهش پیروان عبدالله بسیار مؤثر بوده است.

طبق نقل برخی منابع، اکثر فطحیان پس از دیدن ضعف و سستی ادعای عبدالله و آشکار شدن دلایل حقانیت و براهین امامت امام موسی کاظم (ع) به امامت امام کاظم (ع) روی آوردند (اربلی، ۳۹۳/۲؛ مفید، ۲۱۱؛ طبرسی، ۵۴۷/۱). گفته‌اند در زمان حیات عبدالله، گروهی از فطحیان (نوبختی، ۷۸؛ اشعری قمی، ۸۷) به سبب وجود روایاتی از امام جعفر صادق (ع) که در آنان از امامت امام کاظم (ع) یاد شده و امامت عبدالله مردود شمرده شده^۱، توبه کردند و به امام کاظم (ع) پیوستند (اشعری قمی، ۸۷-۸۸).

سایر فطحیان، پس از درگذشت عبدالله، که حدود هفتاد روز پس از پدرش امام صادق روی داد (اشعری قمی، ۸۸؛ نوبختی، ۷۸)، از آنجا که فرزند پسری بر جای نگذاشت (اشعری قمی، ۸۷؛ نوبختی، ۷۸؛ رازی، ۲۸۷/۳؛ شهرستانی، ۲۷۴/۱)، به سه دسته شدند:

۱. اکثر آنان، امامت عبدالله را رد کرده، از او برگشتند و به امامت امام کاظم (ع) معتقد گشتند (نوبختی، ۷۸؛ اشعری قمی، ۸۷). آنان بر اساس روایات زیادی که از امام سجّاد (ع) و امام محمد باقر (ع) و امام صادق (ع) با این مضمون نقل شده بود که بعد از امام حسن و امام حسین (ع)، امامت در دو برادر قرار نمی‌گیرد و در اعقاب و فرزندان امامان می‌باشد؛ از عقیده به امامت عبدالله برگشته به امامت امام موسی کاظم (ع) روی آوردند (اشعری قمی، ۸۷).^۲

۲. شمار کمی از آنان، بدون حذف نام عبدالله از سلسله امامان خویش، امامت امام کاظم (ع) را نیز پذیرفتند (نک. نوبختی، ۷۹؛ اشعری قمی، ۸۹) و بدین ترتیب امام رضا (ع) را نهمین امام خود شمردند (برای آگاهی بیشتر، نک. صفری فروشانی، «فرقه‌های درون شیعی دوران امامت امام رضا (ع) (با تکیه بر فطحیه و واقفیه)»، ۶).

۱. «...في عبدالله اموراً لا يجوز أن تكون في الامام، ولا يصلح من كانت فيه للإمامة...». اشعري قمي، ۸۷. در عبدالله موانع و اموري است که نباید در امام باشد.

۲. کشي نیز نظیر این مطلب را با تفاوت‌هایی، بدین صورت آورده است: «...و رجعوا إلي الخبر الذي روي: أن الإمامة لا تكون في الأخوين بعد الحسن و الحسين:». طوسي، اختیار، ۲۱۸.

۳. گروه سوم که اندک‌شمار بودند، بر امامت عبدالله باقی مانده، خود سه قسم شدند: یکم. گروهی از آنان گفتند که پس از وفات عبدالله افطح، امامت شیعه منقطع گشت و دیگر امامی وجود ندارد. دوم. بعد از رحلت امام کاظم علیه السلام، گروهی از آنان ادعا کردند که عبدالله، پسری به نام محمد داشته که او را بهمن فرستاده بوده و پس از درگذشت عبدالله، آن پسر به خراسان رفته در آنجا ساکن شده و او بعد از پدرش، امام و نیز قائم است. سوم. شمار کمی هم ادعا کردند که امامت در فرزندان عبدالله تا قیامت باقی است. اینان معتقد به وفات محمد (پسر عبدالله) بودند و امامت را در فرزندان او می‌دانستند (اشعری قمی، ۸۸).

گفته‌اند گروه باقیمانده با عنوان فطحیه در تاریخ تشیع که کم و بیش در جوامع شیعی تا زمان امام حسن عسکری حضور داشته‌اند، فطحیانی بودند که امام کاظم را امام هشتم خویش می‌شمردند (صفری فروشانی، «فرقه‌های درون شیعی دوران امامت امام رضا (با تکیه بر فطحیه و واقفیه)»، ۶) و بدین ترتیب امام رضا علیه السلام، امام نهم آنان محسوب می‌شد (همان، ۷).

بزرگان فطحی در دوره امام رضا علیه السلام

بزرگان فطحیه غالباً از فقها و راویان بزرگ شیعه بودند. عباراتی نظیر «عبدالله بن بکیر و جماعة من الفطحية هم فقهاء اصحابنا» (اردبیلی غروی حائری ۴۷۳/۱؛ مامقانی، ۱۷۱/۲)، «و مال إلى هذه الفرقة جل مشايخ الشيعة و فقهاؤها» (نوبختی، ۷۸)، «و الذين قالوا بامامته عامة مشايخ العصابة و فقهاؤها» (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲۱۸)، «کثیر العلم، واسع الرواية و الاخبار، جيد التصانيف، غير معاند،...» (طوسی، الفهرست، ۱۵۶)،^۲ جملگی حکایت از این دارند که عده‌ای از بزرگان فطحی، از علما و فقهای بزرگ شیعه بوده‌اند.

۱. و عبارت اشعری، ۸۷: «و مال عند وفاه جعفر إلى هذه الفرقة و القول بامامه عبدالله عامه مشايخ الشيعة و فقهاؤها».

۲. این توصیفات در مورد علی بن حسن بن فضال ذکر شده است.

به کار بردن تعابیری چون «کان أوثق الناس و أصدقهم لهجة (نجاشی، ۲۵۲) فأنا اعتمد علی روایت» (حلی، ۱۸۶) در مورد علی بن اسباط، «ثقة فی روایاته» (حلی، ۹۸؛ اردبیلی غروی، ۲۱۴/۱) درباره حسن بن علی بن فضال، و نیز تعبیر «ثقة، جلیل، فی أصحاب الرضا (ع)» (نجاشی، ۴۱۲؛ همچنین نک. اردبیلی غروی حائری، ۲۳۶/۲) درباره معاویه بن حکیم^۱ و مواردی از این قبیل، بیانگر وثاقت آنان نزد رجالیون می باشد.

این تعابیر نشان می دهد که آنان علاوه بر داشتن علم و دانش فراوان، عمدتاً راویان مورد اعتمادی نیز بوده اند. البته گفتنی است که اعتقاد به فطحیه، عده ای از رجالیون را بر آن داشت تا آنان را در زمره ضعفا قرار داده (ابن داود، ۲۸۹) یا این که از پذیرش احادیثی که فقط از سوی آنان بیان شده، بازدارد (تستری، ۱۸/۸)؛ به همین رو نام فطحیان در رجال ابن داود، ذیل عنوان کلی «أصناف الضعفاء» آورده شده است (ابن داود، ۲۸۹). نیز علی بن حدید بن حکیم نیز که به استناد برخی روایات، فطحی بوده، از جانب برخی از علما ضعیف شمرده شده و آنان به روایاتی که تنها از طریق او رسیده است، بی اعتنایی نموده اند (حائری، ۴۲۷/۱؛ همچنین نک. اردبیلی غروی، ۵۶۴/۱).

ابن داود در رجال خود از ۱۶ نفر از بزرگان فطحی نام برده (ابن داود، ۲۸۹) که برخیشان از جمله یونس بن یعقوب، حسن بن علی بن فضال، علی بن اسباط بن سالم، معاویه بن حکیم، در زمان امامت امام رضا (ع) می زیسته و معاصر آن حضرت (ع) بوده اند. البته فطحی بودن برخی از این افراد محل بحث است (نک. صفری فروشانی، «فرقه های درون شیعی دوران امامت امام رضا»، ۷). در زیر به کوتاهی از هر کدام از این نامبردگان یاد می شود:

۱. یونس بن یعقوب کوفی (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۳۲۴) از اصحاب امام صادق (ع) (اردبیلی غروی، ۳۶۰/۲) و از فقها و علمای بزرگ (طوسی، اختیار، ۲۹۰؛ اردبیلی غروی، همانجا) که نزد حضرات معصومین جایگاه ویژه ای داشته است. گویند امام صادق (ع) درباره او فرموده: «...إنه من شیعتنا القدماء...» (طوسی، همانجا).

۱. نجاشی از وی به عنوان فطحی یاد نکرده است.

۲. حسن بن علی بن فضال (د ۲۲۴) (نجاشی، ۳۶؛ ابن داود، ۷۶) از خواص امام رضا علیه السلام ابن داود، ۷۶؛ حلی، ۹۸؛ اردبیلی غروی، ۲۱۴/۱) که از فقها و علمای بزرگ شمرده شده (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲۹۰) و فردی زاهد و باتقوا و مورد اعتماد معرفی شده است (حلی، ۹۸؛ اردبیلی غروی، ۲۱۴/۱). در مورد او تعبیر «جلیل القدر» و «عظیم المنزلة» (ابن داود، ۷۶؛ حلی، ۹۸؛ اردبیلی غروی، ۲۱۴/۱) به کار رفته که نشان از جایگاه والایش دارد.

۳. علی بن اسباط بن سالم، کوفی (نجاشی، ۲۵۲؛ مامقانی، ۲۶۸/۲؛ اردبیلی غروی، ۵۵۴/۱) از فقها (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲۹۰) و از اصحاب امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام شمرده شده است (تستری، ۳۶۵/۷). او از امام رضا علیه السلام روایت نقل می‌کرده است (نجاشی، ۲۵۲). میزان وثاقت وی به حدی بوده که موثق‌ترین و راستگوترین مردم معرفی شده (همانجا)، و حلی (۱۸۶) پس از ذکر این مطلب، افزوده است که: پس من بر روایتش اعتماد می‌کنم. علی بن اسباط فطحی بوده (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۴۶۴؛ نجاشی، ۲۵۲) و روایت نجاشی، حاکی از تبادل نامه‌هایی درباره مذهبش، بین او و علی بن مهزیار است که نهایتاً مراجعه به امام جواد علیه السلام منجر به تغییر عقیده او و بازگشت وی از مذهب فطحیه شده است (نجاشی، همانجا). در مقابل، روایت کشی، بیانگر فایده نبخشیدن نامه‌نگاری و ماندن وی بر مذهبش تا پایان عمر بوده است (طوسی، همانجا). ظاهراً روایت نجاشی بر روایت کشی، مبنی بر بقای علی بن اسباط بر مذهب فطحیه، برتری دارد؛ چه آنان که رجوع وی را از مذهب فطحیه انکار کرده‌اند، کسانی علی بن فضال فطحی و پیروانش بوده‌اند؛ چنان‌که در ماجرای حسن بن فضال نیز، پسرش که مذهب فطحی داشت، اعراض پدر از مذهب فطحیه را انکار کرده بود (تستری، ۳۶۶/۷).

۴. معاویه بن حکیم کوفی (اردبیلی غروی، ۲۳۶/۲) از فقها و علما (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲۹۰) و ثقه و از اصحاب بزرگ امام رضا (نجاشی، ۴۱۲؛ اردبیلی غروی، ۲۳۶/۲)، فطحی بوده و در موردش تعبیر «هو عدل عالم» به کار برده شده است (اردبیلی غروی، ۲۳۶/۲).

۵. علی بن حدید بن حکیم، فطحی، از اهالی کوفه بود و امام رضا (ع) را درک کرد (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۴۷۱-۴۷۲). نیز محمد بن ولید خزاز، معاویه بن حکیم و مصدق بن صدقة و محمد بن سالم بن عبد الحمید، که همگی کوفی بوده‌اند، کسانی‌اند که برخی منابع همه آنان را فطحی و از علما و فقها و عادلان بزرگ دانسته‌اند و بعضی از آنان امام رضا (ع) را درک کرده‌اند (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۴۶۵؛ حلی، ۲۸۲؛ اردبیلی غروی، ۱۱۶/۲).

چنانکه ملاحظه شد، غالب این فطحیان از اهالی کوفه بودند و احتمالا محل زندگی آنان نیز در همان جا بوده‌است و درواقع دور از محل سکونت امام رضا (ع)، یعنی مدینه، زندگی می‌کرده‌اند. شاید بتوان این دوری مسافت را یکی از علل انحراف این افراد از خط مستقیم امامت و کژی عقیده آنان دانست.

تعامل امام رضا (ع) و فرقه فطحیه

در زمینه تعامل امام رضا و فرقه فطحیه، در منابع روایی به چند نوع روایت برمی‌خوریم که به ترتیب زیر دسته‌بندی می‌شوند:

سفارش امام به کفن و دفن برخی از فطحیان. روایاتی حاکی از عهده داری امور کفن و دفن یونس بن یعقوب توسط امام رضا (ع) (نجاشی، ۴۴۶؛ طوسی، اختیار، ۳۲۴) و نیز فرمان امام به محمد بن حباب برای نماز خواندن بر یونس بن یعقوب در دست است (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۳۲۵؛ خونی، ۱۹۵/۱۶-۱۹۶). چون یونس در مدینه درگذشت، امام رضا (ع) امور و کارهای دفن و کفن او را به عهده گرفت و به موالی‌اش و موالی پدر و جدّ خود، دستور داد که در تشییع جنازه‌اش حاضر شوند و به آنان فرمود که او غلام امام صادق (ع) بوده که در عراق زندگی می‌کرده‌است^۱ و نیز فرمود که وی را در بقیع دفن کنند و اگر اهالی مدینه به دستاویز عراقی‌بودنش از دفن او جلوگیری کنند، به آنان بگویند که او غلام امام صادق (ع) است که در عراق زندگی می‌کرده‌است، اگر نگذارید او را در بقیع دفن کنیم، ما نیز از دفن موالی شما در بقیع خودداری می‌کنیم. و به این ترتیب، وی در بقیع دفن شد (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۳۲۴-۳۲۵).

۱. عین عبارت چنین است: «و قال لهم: هذا مولی لأبي عبدالله (ع) و كان یسكن العراق...». طوسی، همان، ۳۲۴.

رد امامت عبدالله افطح. در گزارشی آمده که شخصی خدمت امام رضا علیه السلام رسید تا از آن حضرت علیه السلام در مورد عبدالله بن جعفر سؤال کند، اما قبل از آن که آن شخص سؤالش را بپرسد، امام علیه السلام فرمود: «ای محمد بن آدم، به درستی که عبدالله امام نبود» (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۲۳۷/۱-۲۳۸؛ اربلی، ۹۲/۳-۹۳). چنان که ملاحظه می‌شود، این روایت حاکی از رد امامت عبدالله افطح توسط امام رضا علیه السلام، و در واقع نوعی هدایت و ارشاد می‌باشد.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۴۹

نقل روایت برخی از فطحیان از امام. نوع دیگر از اخبار، بیان می‌دارد که فطحیان از امام رضا نقل روایت می‌کرده‌اند، برای نمونه می‌توان به روایات متعدد نقل شده از امام رضا توسط حسن بن علی بن فضال اشاره کرد (صدوق، الأملی، ۵۹-۶۰، ۶۸، ۷۹-۱۵۳، ۱۲۱-۱۵۵؛ صدوق، عیون، ۱۲۹/۱-۱۳۰). همچنین معاویه بن حکیم که از فقها و علما (طوسی، اختیار معرفة الرجال، ۲۹۰) و اصحاب بزرگ امام رضا بوده (نجاشی، ۴۱۲؛ اردبیلی غروی، ۲۳۶/۲)، از آن حضرت نقل روایت کرده‌است (ابن ابی جمهور الأحسائی، ۲۹۷/۳). نیز گفته شده که علی بن اسباط از امام رضا علیه السلام روایت می‌کرده‌است و از وی به «أوثق الناس و أصدقهم لهجة»، یعنی مورد اطمینان‌ترین مردم و راستگوترین آنان تعبیر شده‌است (نجاشی، ۲۵۲).

سؤال نمودن فطحیان از امام و پاسخ‌گویی آن حضرت به آنان. گزارش‌هایی دربردارنده سؤال فطحیان از امام رضا و نیز پاسخ آن حضرت در دست است؛ چنان‌که از علی بن حدید روایت شده که در مورد مسئله فقهی (قصر و اتمام نماز در حرمین) که شیعیان دچار اختلاف شده بودند، از امام سؤال کرد و امام به وی پاسخ داد (طوسی، الاستبصار، ۳۳۱/۲؛ حر عاملی، ۵۳۳/۸). همچنین از پاسخ آن حضرت به پرسش حسن بن علی بن فضال نیز خبری در دست است (صدوق، عیون، ۱۲۵/۱-۱۲۶).

نقل روایات جانشینی امام رضا. فطحیان از ناقلان روایات امامت و جانشینی امام رضا نیز بوده‌اند؛ چنان‌که معاویه بن حکیم از نعیم قابوسی از امام موسی بن جعفر، در مورد امامت امام رضا علیه السلام پس از ایشان نقل روایت کرده‌است (کلینی، ۳۱۱/۱ و ۳۱۲؛ مفید، الإرشاد، کنگره شیخ مفید، ۲/۲۵۰، ۲۴۹). نیز نقل روایت توسط حسن بن علی بن فضال به نقل از

علی بن جعفر درباره امامت امام رضا پس از امام موسی بن جعفر مشاهده می‌شود (طوسی، الغیبه، ۴۲)؛ چراکه اینها برخلاف واقفیه، امامت امام رضا را قبول داشتند و از آن حضرت نقل روایت می‌نمودند.

به‌طور کلی، در منابع کهن مطلبی دال بر درگیری و یا برخورد تند حضرت با فطحیان مشاهده نشده‌است. به‌نظر می‌رسد از علل عدم درگیری امام رضا با فرقه فطحیه، شرایط خاص زمان حضرت و وجود فرقه‌های گوناگون درون شیعی، به‌خصوص حضور و فعالیت گسترده فرق خطرناک واقفیه (برای آگاهی درباره علل عدم درگیری امام رضا با فطحیه نک. صفری فروشانی، فرقه‌های درون شیعی دوران امامت امام رضا (ع) (با تکیه بر فطحیه و واقفیه)، ۷) که فرقه ای نوظهور و نوپیان بود و در زمان خود حضرت، یعنی پس از شهادت امام موسی کاظم (ع) پدید آمده بود، و نیز حضور غالبان از فرق منتسب به شیعه بود. شاید مقایسه این فرق با هم، بهتر این موضوع را روشن بنماید. در واقع با واکاوی ویژگی‌های این دو فرقه و مقایسه آن با فطحیه، شاید بهتر بتوان به مسئله علل عدم برخورد تند حضرت با فطحیه پاسخ گفت و به تحلیل آن پرداخت. از این رو در ادامه به اجمال به ویژگی‌های مهم دو فرقه مذکور اشاره و آگاهی بیشتر در این زمینه را به کتب و پژوهش‌های مرتبط محول می‌نماییم.

فرقه واقفیه دارای ویژگی‌هایی بود که همان‌ها سبب برخورد و مبارزه سخت و جدی امام رضا (ع) با این فرقه گردید. ویژگی‌های مهم فرقه مذکور عبارت بودند از توقف بر امام کاظم و انکار امامت سایر امامان معصوم پس از آن حضرت و از جمله امام رضا،^۱ داشتن رهبران برجسته‌ای که از جایگاه علمی و اجتماعی و روایی بالایی در میان مردم برخوردار بودند (برای آگاهی بیشتر از جایگاه آنان، نک. امام، ۸۶-۹۰)، و فعالیت‌های بسیاری که برای نشر و رواج افکار و عقاید خود انجام می‌دادند (برای آگاهی بیشتر، نک. بختیاری، ۱۶۳-۱۷۳).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۵۰

۱. برای آگاهی درباره ی واقفیه و منابع آن برای نمونه، نک. صفری فروشانی و بختیاری، «امام رضا (ع) و فرقه واقفیه»؛ حسین‌زاده شانه‌چی، «واقفیه؛ همچنین در مورد واقفیه برای نمونه ر.ک: ناصری، الواقفیه دراسة تحليلية؛ بیوکارا، «دو دستگی در شیعیان امام کاظم (ع) و پیدایش فرقه واقفه».

با مطالعه و بررسی فرق واقفیه و غالیان می‌توان دریافت که این دو فرقه، دارای ویژگی‌ها و نقاط اشتراک و افتراقی بودند. نشر و رواج آموزه‌های خطرناکی چون تهدید اصل دین (توحید) و تهدید اساس شیعه (امامت) و فعالیت‌های گسترده از نقاط اشتراک هر دو فرقه به حساب می‌آمده است. اما بهره‌مندی از وجود رهبران عالم و برجسته که در جذب افراد نقش بسزایی داشت، از ویژگی اصلی و مهم فرقه واقفیه به شمار می‌آمد. همین باعث شده بود که امام به‌طور ویژه به مبارزه همه‌جانبه با آنان بپردازد. در مقابل، فطحیان علاوه بر آن که اکثر آنان امامت امام رضا (ع) را قبول داشتند، دارای فقها و علمای بزرگ و راویان ثقه بودند که از دست دادن آنان برای جامعه شیعی خسران بزرگی بود (برای آگاهی بیشتر، نک. صفری فروشانی، «فرقه‌های درون شیعی دوران امامت امام رضا»، ۷).

بدین ترتیب شرایط کلی جامعه در دوره امام رضا و از آن جمله وجود فرق مختلف شیعی مخصوصاً دو فرقه واقفیه و غلات، و شدت فعالیت‌های آنان، امام را چنان درگیر کرده بود که در مبارزه با واقفیه نه تنها در دوران حضور خود در مدینه، بلکه در مسیر راه خویش از مدینه به مرو و همچنین در خود مرو نیز به پاسخ‌گویی و مبارزه با این فرقه منحرف اشتغال داشت (نک. بختیاری، ۱۷۳-۱۷۴). در مورد غالیان نیز علاوه بر پاسخ‌گویی و مبارزه با آنان در زمان حضور خویش در مدینه، در دوران حضور در مرو هم به این امر خطیر توجه داشت و در آنجا نیز به پاسخ‌گویی و رد عقاید غلات پرداخت (همان، ۲۰۳-۲۰۴).

وجود این اوضاع و شرایط، و از آن طرف ویژگی‌های کلی فطحیان زمان امام رضا که ذکر آن گذشت، و کم‌خطر بودن این فرقه در مقایسه با فرق مذکور-واقفیه و غالیان- از علل عدم درگیری امام با فرقه فطحیه می‌تواند باشد. چراکه فطحیان مخالفت بنیادینی نداشته و مانند واقفیه و غالیان که اصل و ریشه دین و مذهب تشیع را در معرض خطر نابودی قرار داده بودند، نبودند؛ بلکه اختلاف در اضافه کردن امامت افطح بود که او هم فقط حدود هفتاد روز پس از پدرش زنده بود (برای آگاهی بیشتر در مورد علل عدم درگیری و عدم برخورد تند امام رضا با فطحیه، نک. صفری فروشانی، «فرقه‌های درون شیعی دوران امامت امام رضا»، ۷).

با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان گفت که کیفیت تعامل امام رضا با فرقه فطحیه بیانگر نوعی موقعیت‌سنجی و سنجش شرایط بوده‌است؛ چراکه آن حضرت در زمانی که فرق خطرناکی چون واقفیه و غلات، جامعه شیعی و شیعیان را دچار بحران و آشفته‌گی کرده

بودند، به مقابله و درگیری با فطحیان که در مقایسه با فرق مذکور بسیار کم خطر بودند، نپرداخت، هرچند به ارشاد و هدایت آنان توجه داشتند.

تداوم آموزه‌های فطحیه

فطحیان که اساسی‌ترین عقیده آنان انتقال امامت از برادر به برادر بود، هرچند به عنوان فرقه‌ای نزدیک‌تر به امامیه، و کم‌خطرتر از واقفیه معرفی شده‌اند (نک. صفری فروشانی، «فرقه‌های درون شیعی دوران امامت امام رضا، ۷-۸»)، اما این به معنای بی‌ضرری آنان برای جامعه شیعی نبوده‌است؛ چراکه در تاریخ حضور ائمه معصومین دو بار انحراف شیعیان از مسیر اصلی خود، به دلیل و یا تحت تأثیر گفتار و عقاید آنان صورت گرفته‌است. یک بار پس از شهادت امام رضا (ع)، که پیروانش در مورد جانشین آن حضرت (ع) دچار اختلاف شده بودند، گروهی قائل به امامت برادر امام رضا (ع) یعنی احمد بن موسی شدند، با این توجیه که امام کاظم (ع) پس از امام رضا (ع)، وی را جانشین خود کرده‌است و بدین ترتیب مانند فطحیه امامت دو برادر را جایز شمردند (نوبختی، ۸۵-۸۶). دیگر بار، این اتفاق پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) افتاد و در اختلافی که پیروانش در مورد جانشین آن حضرت (ع) پیدا کرده بودند، عده‌ای برادر آن حضرت (ع) یعنی جعفر را جانشین او دانستند (نک. همان، ۹۸-۹۹؛ اشعری قمی، ۱۱۰). قابل ذکر است که برخی، از آنان با عنوان نوفطحیه (الفتوحیه الثانیة) (صدوق، معانی الاخبار، ۶۵) یاد کرده‌اند.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۵۲

نتیجه

بیشتر کسانی که به امامت عبدالله افطح گرویدند، از اصحاب بزرگ امام صادق (ع) و از فقها و علمای بزرگ شیعه به‌شمار می‌رفتند. اما به‌نظر می‌رسد این فرقه به دلایل زیر حداقل برای زمان مورد بحث کم خطر بوده‌اند:

۱. پذیرش امامت سایر امامان شیعه و از جمله امام رضا (ع) و در نتیجه عدم مبارزه با آنان.

۲. تعمدی نبودن این انحراف، به این معنا که این انحراف، از روی عناد و یا دنیاپرستی نبوده و به دلایلی در تشخیص امام بعد از امام جعفر صادق علیه السلام دچار اشتباه شده- بودند، به طوری که پس از روشن شدن جریان و راه اصلی، عده‌ای از آنان، از امامت عبدالله افطح برگشته امامت وی را انکار کردند.

۳. اگرچه شماری از آنان، امامت عبدالله را قبل از امام موسی کاظم علیه السلام پذیرفته و عدد امامان را به سیزده رساندند، اما عمر کوتاه امامت عبدالله و نیز عدم مبارزه و فعالیت خاص فطحیان، در مقایسه با سایر فرق به خصوص واقفیه، میزان خطر آنان را به شدت کاسته بود. همچنین این فرقه از فرقی است که روایات و گزارش‌های نقل شده، حکایت از عدم درگیری امام با آن را دارد.

البته می‌توان گفت: امام رضا علیه السلام، درواقع در صدد هدایت و قرار دادن آنان در مسیر اصلی و درست بود و با وجود شرایط نامناسب و آشفته جامعه از نظر مذاهب و تنوع آن، و کم خطرتر بودن فطحیان برای شیعیان زمان امام رضا علیه السلام، باز امام به این هدایت و ارشادشان توجه داشته است. در واقع سبک تعامل امام رضا با این فرقه نشان موقعیت- شناسی و زمان سنجی درست امام و عملکرد برطبق آن تشخیص صائب بوده است.

منابع

- ابن أبي جمهور الأحسائي، عوالي اللئالي، تحقيق الحاج آقامجتبي العراقى، چاپخانه سيدالشهداء-قم، الطبعة الأولى، ۱۴۰۴-۱۹۸۴م.
- ابن داود حلى، تقى الدين حسن بن على، كتاب الرجال، تحقيق سيد محمدصادق آل بحرالعلوم، نجف، المطبعة الحيدرية، ۱۳۹۲.
- اربلى، أبى الحسن على بن عيسى بن ابى الفتح، كشف الغمّة فى معرفة الأئمّة، (تعليق سيد هاشم رسولى، ج ۲) و ج ۳، بيروت، دارالكتاب الإسلامى، ۱۴۰۱.
- اردبيلى غروى حائرى، محمد بن على، جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، قم، منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، ۱۴۰۳.
- اشعري قمى، سعد بن عبدالله، كتاب المقالات و الفرق، تصحيح و تعليق محمّدجواد مشكور، مركز انتشارات علمى و فرهنگى، ۱۳۶۱ش.
- امام، سيد جلال، بررسى زمينه‌ها و عوامل پيدايش اندیشه توقف بر امامان شيعه، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى (ره)، کارشناسى ارشد، بى تا.
- بختيارى، زهرا، امام رضا عليه السلام و فرقه‌هاى شيعه، مشهد، بنياد پژوهش‌هاى اسلامى آستان قدس رضوى، ۱۳۹۲ش.
- بيوکارا، م. على، «دودستگى در شيعيان امام كاظم عليه السلام و پيدايش فرقه واقفه»، ترجمه وحيد صفرى، علوم حديث، ش ۳۰، ۱۳۸۲.
- تسترى، محمدتقى، قاموس الرجال، قم، مؤسسة النشر الإسلامى، ۱۴۱۵، ۱۴۱۷، ۱۴۲۲.
- حائرى، سيد مهدى، «على بن حديد بن حكيم»، دايرة المعارف تشيع، تهران، نشر شهيد سعيد محبى، ۱۳۸۴.
- حر عاملى، وسائل الشيعة، تحقيق مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث بقم المشرفة، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴.

پژوهش‌نامه تاريخ تشيع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۵۴

- حسین زاده شانه‌چی، حسن، «واقفیه»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال ششم، ش ۲۳، ۱۳۸۴ ش.
- حلی، ابی منصور حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، تحقیق الشیخ جواد القیومی، مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷.
- خوئی، معجم رجال الحديث، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۳-۱۹۹۲ م.
- رازی، ابی حاتم احمد بن حمدان، کتاب الزينة فی الكلمات الاسلامية العربية، تحقیق عبدالله سلوم السامرائی، بی نا، بی تا.
- شهرستانی، ابی الفتح محمد بن عبدالکریم، الملل والنحل، تصحیح و تعلیق شیخ احمد فهمی محمد، قاهره، مطبعة حجازی، ۱۳۶۸ ش.
- صدوق، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، بی جا، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
- صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشرجهان، ۱۳۷۸ ش.
- صدوق، الأمالی، تحقیق قسم الدراسات الإسلامية-مؤسسة البعثة، قم، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷.
- صفری فروشانی، نعمت الله، «فرقه‌های درون شیعی دوران امامت امام رضا علیه السلام (با تکیه بر فطحیه و واقفیه)»، طلوع، سال هشتم، ش ۲۸، ۱۳۸۸ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تحقیق مؤسسة آل البيت: لإحياء التراث، ج ۱ و ۲، قم، مؤسسه آل البيت: لإحياء التراث، ۱۴۱۷.
- طوسی، الغيبة، تحقیق الشیخ عبادالله الطهرانی، الشیخ علی احمدناصح، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، الفهرست، تحقیق مؤسسة نشر الفقاهة - الشیخ جواد القیومی، بی جا، مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال المعروف ب رجال الکشی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۷.

- طوسى، الاستبصار، تحقيق و تعليق السيد حسن الموسوى الخرسان، تصحيح الشيخ محمد الآخوندى، طهران، دارالكتب الإسلامية.
- كلينى، الكافى، تهران، اسلامية، ۱۳۶۲ ش.
- مامقانى، تنقيح المقال فى علم الرجال، نجف اشرف، ۱۳۵۰.
- مفيد، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم، كنزى شيخ مفيد، ۱۴۱۳.
- مفيد، ابى عبد الله محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، تحقيق مؤسسة آل البيت: لإحياء التراث، قم، المؤتمر العالمى لألفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳.
- ناصرى، رياض محمد حبيب، الواقفیه دراسة تحليلية، مشهد، المؤتمر العالمى للإمام الرضا (ع)، ۱۴۰۹.
- نجاشى، ابوالعباس احمد بن على، رجال النجاشى، تحقيق سيد موسى شبيرى زينجاني، قم، مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۴۱۶.
- نوبختى، ابو محمد حسن بن موسى، فرق الشيعة، تصحيح و تعليق سيد محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، المكتبة المرتضوية، ۱۳۵۵.

پژوهش نامه تاريخ تشيع

سال اول، شماره ۲،
تابستان ۱۳۹۶

۵۶